



اکنون که این مطلب را می‌نویسم طبق آمار مرکز ملی فضای مجازی، تلگرام در شبانه‌روز گذشته بیش از یک میلیارد و 969 میلیون و در کمتر از یک هفته به طور متوسط روزانه حدود دو میلیارد بازدید داشته است؛ 242504 کانال به روز شده‌اند و در یک روز بیش از 2 میلیون و 900 هزار مطلب روی تلگرام رفته است. اعداد بزرگی هستند و باید با احتیاط زیاد با این موجودی که در گوشی‌هایمان زندگی می‌کند رفتار کنیم.

درباره محتوای به اشتراک گذاشته شده در شبکه‌های اجتماعی می‌توان با اطمینان کامل گفت که محتوای حاوی خبرهای بد طرفدار زیادی دارند و از آن بدتر اینکه رقابت در ارسال سریع‌تر این خبرهای بد، طرفداران به‌مراتب بیشتری دارد. البته اگر آمار انتشار اخبار بد در اینستاگرام را هم به این آمار اضافه کنم، خود این یادداشت تبدیل به یک خبر بد می‌شود! پس از آن صرف‌نظر می‌کنیم. صرف‌نظر از خبرهای بد جعلی که به‌وفور در تلگرام مشاهده می‌شوند، خبرهای بد موثق بخش مهمی از اخباری را که در روز با آن‌ها مواجهیم به خود اختصاص می‌دهند. این خبرها هم که معمولاً با عکس و فیلم و شرح مبسوط همراه هستند، طیف متنوعی را شامل می‌شوند و شما در میان آن‌ها از لگد زدن به گربه می‌بینید تا جنایت‌های بسیار فجیع و رفتارهای غیراخلاقی مگو. هیچ‌وقت متوجه نشدم چرا عده‌ای اصرار دارند لحظات خشونت‌بار ببینند و دیگران را نیز در این تجربه ناهنجار شریک کنند. عده‌ای انتشار چنین موضوعاتی را به‌نفع جامعه بشریت می‌دانند با این توجیه که دیگران هم باید از این اتفاقات ناگوار مطلع شوند و درس عبرت بگیرند یا اینکه انتشار این اخبار جانیان را رسوا می‌کند. اما صحیح یا نادرست، این‌ها تنها بخشی از آثار چنین طرز فکری است. باید به این موضوع هم فکر کنیم که با این کار چه بلایی بر سر روح و روان آن دو میلیارد نفری که روزانه از این رسانه استفاده می‌کنند خواهیم آورد؟

برای من همیشه در این باره پرسش‌هایی مطرح بوده است. اینکه آیا مجازیم این خبرهای بد را منتشر کنیم؟ ما مجازیم اخبار چه رویدادهایی را منتشر کنیم؟ آیا لازم است به موضوع خبر بد دقت کنیم یا این رسالت بر دوش ما گذاشته است تا هر خبر بدی را با هر موضوعی که بود برای دیگران بفرستیم و به آن‌ها نشان دهیم چقدر دنیا بد است؟ نکته مهم نظرات کاربران است که با این پُست‌ها مواجه می‌شوند. بارها اتفاق افتاده نظرهای افرادی که در اینستاگرام زیر چنین پست‌هایی کامنت گذاشته‌اند متحیرم کرده است. به طور کاملاً واضح می‌توانید رد خشونت را در ادبیات همین افراد ببینید. نمی‌دانم نتیجه‌گیری صحیحی است یا خیر، اما خشونت لفظی همین کاربران، همان چیزی است که شاید در همه ما وجود دارد و باید مدیریتش کرد، مواظبش بود و آن را تربیت کرد تا فروکش کند. به نظر من این درجه از خشونت فردی که در کامنت‌ها و پست‌ها وجود دارد، محصول سال‌ها در معرض خشونت بودن خود ما است و مسئول ایجاد بخش مهمی از این لایه پنهان خشونت‌بار درون ما، همین اخبار خشونت‌باری است که روزانه از طریق شبکه‌های مجازی به ما می‌رسند و ما آن‌ها را می‌بینیم و برای دیگران می‌فرستیم. حالا این خشونت لفظی موجود در کامنت‌ها را تعمیم دهید به کل جامعه و فاجعه را دریابید.



اپلیکشنی با بیش از صدهزار نصب فعال... در کنار یکدیگر در شبکه اجتماعی ایرانی «باهم»

خبرهای خشونت‌بار از طریق رسانه‌هایی نظیر رادیو و تلویزیون و حتی روزنامه‌ها هم به ما می‌رسند، اما تفاوت مهم این رسانه‌های سنتی این است که برای انتشار اخبار و به‌ویژه اخبار ناهنجار و بد، قوانین و دستورالعمل‌هایی دارند که ملزم به رعایت آن‌ها هستند. اینکه یک خبر بد را چگونه و با چه تصاویری و چه درصدی از پالایش تحویل مخاطب خود بدهند موضوع بسیار مهمی است که تقریباً همه رسانه‌های خیری دنیا آن را رعایت می‌کنند. اما در رسانه‌هایی نظیر تلگرام و اینستاگرام چنین قید و بندهایی وجود ندارد و هر لحظه امکان دارد شما گوشی خود را بردارید و با یک تصویر هولناک یا خبر یک جنایت دردناک مواجه شوید. خوشبختانه موضوعاتی که از این طریق به دست ما می‌رسند آنقدر متنوع هستند که امیدوار باشیم اندکی بعد از رسیدن خبر بد، ویدئوی چند شیرین‌کاری و متن چند لطیفه هم به ما برسند و فضا را تلطیف کنند، اما باز هم تأثیر اخبار و تصاویر بد بر ذهن ما ناخودآگاه، مخرب و همیشگی است. حالا که مثل رسانه‌های سنتی که قوانین حرفه‌ای بر آن‌ها حاکم است، انتشار اخبار در رسانه‌های جدید مقید به هیچ قانونی نیست و تنها قانون حاکم، سلیقه فردی است که خبر را منتشر می‌کند، پس لازم است خودمان به‌عنوان مصرف‌کننده و در عین حال تولیدکننده اخبار، وظیفه پالایش محتوا را بر عهده بگیریم. این پالایش از خودمان شروع می‌شود. بسیاری از کانال‌هایی که در آن‌ها عضو هستیم را می‌توانیم حذف کنیم. باید اخبار و محتوایی که به ما می‌رسند را بررسی کنیم و مخاطبی که قرار است آن محتوا را برایش ارسال کنیم بسنجیم و بعد تصمیم بگیریم که آیا لازم است محتوا ارسال شود یا خیر. شاید بتوان با کسب تجربه، در این امر مهارت‌هایی به دست آورد، اما قطعاً نظام آموزشی باید برای نهادینه کردن روش صحیح مدیریت محتوایی که روی چنین شبکه‌هایی قرار می‌دهیم و مصرف می‌کنیم قدم‌های محکمی بردارد و آن را به همه آموزش دهد. منظور این نیست که واحدی درسی برای آموزش چنین مهارت‌هایی به واحدهای تحصیلی اضافه شود، بلکه نظام آموزشی باید از افرادی در امر آموزش استفاده کند که این مهارت‌ها و برخورد با خطرات و استفاده از فرصت‌های چنین رسانه‌ای را به‌خوبی فراگرفته باشند و آن را به‌صورت کارآمد و غیرمستقیم در اختیار دانش‌آموزان و دانشجویان خود قرار دهند. برنامه‌های آموزشی در تلویزیون و رادیو به این امر بپردازند و روش‌های صحیح کار با چنین رسانه‌هایی را به‌طور اصولی و حرفه‌ای در اختیار همه قرار دهند. به‌ویژه درباره بایدها و نبایدهای انتشار اخبار ناگواری که در جامعه رخ می‌دهند و اینکه حق داریم کدام خبر بد را منتشر کنیم و کدامیک را نه صحبت شود. پیش از اینکه پاول دورف و زاکربرگ و حتی مسئولان خودمان راهکاری برای مهار آثار مخرب تلگرام ارائه کنند، خودمان باید این کار را به‌خوبی انجام دهیم.

تاریخ انتشار:

%D8%B4%D8%A8%DA%A9%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-
%D9%85%D8%AC%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D9%85%D9%86%D8%AA%D8%B4%D8%B1-
%DA%A9%D9%86%DB%8C%D9%85%D8%9F